

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران - 6 / تیر / 1394

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
و الحمد لله رب العالمین و الصلّٰة و السّلام علی سیدنا ابی القاسم المصطفی محمد و علی ءاله الاطیبین الاطهرین
المنتجبین سیما بقیة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز، و معطر کردید این حسینیه را و محل کار و تلاش ما را به عطر یاد شهیدان.

یکی از برکات انقلاب اسلامی، بازتولید معارف اساسی اسلامی در این زمان است. خیلی از این معارف بزرگ را ما در کتابها و در ذهنها داشتیم لکن انقلاب اسلامی این معارف را مجسم کرد و تحقق عینی داد. یکی از بخشهای بسیار مهم این معارف، عبارت است از منظومه‌ی معارف مربوط به شهادت، همین چیزی که در این آیه‌ی شریفه‌ای که تلاوت کردند، به صراحت از آن یاد شده است: **وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِیْنَ قَتَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ** * **فَرِحِیْنَ بِمَا ءَاتَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ یَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِیْنَ لَمْ یَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ اِلَّا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُونَ** ؛ (۲) این یک معرفت است، یکی از معارف بزرگ اسلامی است ؛ [یعنی] نقش برانگیزاننده و زنده‌کننده‌ی شهادت در نظام اجتماعی مسلم. شهیدان بشارت میدهند به کسانی که به آنها ملحق نشدند - مثل من و شما - که در این راه نه بیم هست، نه اندوه هست ؛ هرچه هست بهجت است، ابتهاج (۳) است، نشاط است، روحیه است، امید است ؛ این درس است. این درس در مجموعه‌ی تاریخ جمهوری اسلامی تکرار شد ؛ شهدای ما با انگیزه و با نشاط وارد این میدان شدند، تلاش کردند، و این تلاش آنها که صادقانه بود، با پاداش الهی همراه شد و به شهادت رسیدند که این شهادت بی شک یک نعمت بزرگ و یک پاداش بزرگی است که خدا آن را به این بندگان مخلص پاک‌دست پاک‌نهاد داد و به آنها ارزانی داشت. [شهدا] وارد این میدان شدند با نشاط، خدا را ملاقات کردند با رضایت الهی، و در نشئه‌ی پس از مرگ، نه اندوهی به آنها رسید نه بیمی در دل آنها پدید آمد ؛ این را منعکس میکنند به جامعه، این را سرریز میکنند به مردمی که به آنها ملحق نشده‌اند. کما اینکه در این سالهای متمادی همین را مشاهده کردیم: هرجا شهادتی اتفاق افتاد، پشت سر آن، افتخار خانواده‌ی شهید بود، احساس عزت بازماندگان شهید بود، هیجان و ابتهاج معنوی و روحیه‌ی مضاعف در مردم بود و تأثیرات اجتماعی فراوان ؛ از جمله‌ی آنها و جزو بارزترین آنها حادثه‌ی هفتم تیر [است].

هفتم تیر حادثه‌ی کوچکی نبود ؛ مدیران برجسته‌ی مؤثر حاضر در نظام را - ۷۲ نفر را - یکجا نابود کردن، به حسب ظاهر. که شخصیتی مثل شهید بهشتی در میان اینها است ؛ شهید بهشتی جزو نوادر زمان بود، جزو کسانی بود که نظیر او را انسان در نسلهای پیاپی کمتر پیدا میکند. چنین کسی را، تعداد قابل توجهی از وزرای کارآمد را، از نمایندگان مجلس را، از فعالان سیاسی و انقلابی را یکجا از مردم بگیرند، خب اثر طبیعی و معمولی این حادثه چیست؟ شکست ملت، شکست انقلاب، قاعدتاً این باید باشد ؛ اما درست بعکس شد. درست عکس این حادثه، عکس آنچه دشمن از این حادثه انتظار داشت به وقوع پیوست. ملت متحد شد ؛ مسیر انقلاب در یک مسیر واقعی قرار گرفت، در مسیر صحیح قرار گرفت ؛ دشمنان ملت افشا شدند، رسوا شدند.

بعضی از کسانی بودند که مباشر این جنایت بزرگ بودند و سالهای متمادی در بین مردم، در بین جوانها با تبلیغات، خودشان را جور دیگری - طرفدار آزادی، طرفدار ارزشها - معرفی کرده بودند، اینها افشا شدند ؛ معلوم شد یک مشت تروریست فاقد هرگونه مبنای ذهنی و اعتقادی و انقلابی اند ؛ همینها بودند که بعد از آنکه اندک مدتی از این

حادثه گذشت، به کسی مثل صدام حسین پناهنده شدند؛ علیه مردم عراق هم کار کردند، علیه مردم ایران هم تلاش کردند، در میدانهای جنگ حاضر شدند، با ملت خودشان جنگیدند؛ افشاگری از این بالاتر؛ اینها مباشرین بودند. عده‌ای دستهای پشت پرده بودند؛ آنها هم افشا شدند. کسانی بودند که مؤید این حرکت و این جنایت بودند؛ اینها هم افشا شدند؛ چه در داخل کشور، چه در خارج از کشور؛ همه فهمیدند که چه اتفاقی افتاد در این کشور و چه کسانی با ملت ایران مواجهند و مقابلند. عده‌ای هم بودند که اینها سکوت کردند، سکوت همراه با رضا - سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتْ بِهِ - (۴) که آنها هم افشا شدند.

امام بزرگوار جریان اصیل انقلاب را با بهره‌گیری بجا و مناسب از این حادثه [تعیین کرد]، آن مسیر را در مقابل ملت ایران قرار داد، و راه انقلاب را - که همان اوایل داشت منحرف میشد و میخواستند آن را به شرق و غرب بچسبانند - تعیین کرد، انقلاب را نجات داد؛ این، برکت این حادثه بود. بله، هزینه دادیم، شخصیت‌های برجسته‌ای را از دست دادیم، شکی نیست، اما باید دید تأثیر این چیست. ملت مسلمان، در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله، هنوز مدیون خون شهیدان کربلا است؛ هزینه از دادن حسین بن علی بالاتر؟ جانی از جان یاران حسین عزیزتر؟ اینها را دادند، این هزینه انجام گرفت اما اسلام ماند، قرآن ماند، جریان اصیل ایمانی در جامعه باقی ماند؛ همین قضیه در ماجرای هفتم تیر هست، در ماجرای شهدای دیگر ما هست.

از آثار این حادثه، نشاط معنوی و ابتهاج معنوی مردم بود. از آثار این حادثه، نشان دادن قدرت و قوت و رسوخ انقلاب، در اعماق جامعه بود؛ دشمنان حساب کار خودشان را کردند؛ دیدند این حادثه‌ای که در هر کشوری اتفاق می‌افتاد آن نظام را متلاشی میکرد، به استحکام بیشتر ملت ایران منتهی شد؛ فهمیدند که با این انقلاب نمیشود خشن برخورد کرد، جواب نمیدهد؛ این را احساس کردند.

از جمله‌ی آثار مهم این حادثه در طول زمان تا امروز، افشاگری است؛ افشاگری قدرتهای استکباری مدعی حقوق بشر. همان کسانی که این جنایت را و جنایات تروریستی دیگر را در این کشور مرتکب شدند، آزادانه در کشورهای اروپایی و آمریکا مشغول حرکتند؛ با مسئولان و سران آن کشورها ملاقات میکنند، برای آنها سخنرانی حقوق بشری می‌گذارند! از این افشاگری بالاتر؟ این نشان داد که مدعیان حقوق بشر، مدعیان ضدیت با تروریسم، در چه حدی از نفاق و دورویی و دروغگویی قرار دارند؛ این را امروز همه دارند در مقابل چشمشان می‌بینند.

ما هفده هزار شهید ترور در کشور داریم؛ هفده هزار شهید ترور! این رقم، رقم کوچکی است؟ این حرف شوخی است؟ آن کسانی که این ترورها را انجام دادند، امروز آزادانه در کشورهای غربی دارند حرکت میکنند. این ترورها، ترور چه کسانی بود؟ ترور کاسب، ترور کشاورز، ترور عالم، ترور استاد دانشگاه، ترور مؤمن متعهد، ترور کودکان، ترور زنان؛ هفده هزار شهید ترور، در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شده است. خب، این دو طرف دارد: یک طرف افشاگری نسبت به آن چهره‌هایی است که امروز ادعای ضدیت با تروریسم میکنند و این آینه‌ای است در مقابل ادعای باطل آنها و نشان میدهد که چقدر اینها دروغگویند، چقدر اهل دغلند، چقدر خبیثند، چقدر پستند که از تروریست‌های جرّار این حمایتها را میکنند؛ درعین حال ادعا میکنند که ضد تروریسم هستند و با تروریسم مخالفند؛ این یک طرف قضیه است. یک طرف دیگر این است که یک ملتی که هفده هزار شهید ترور داده است - غیر از شهدایی که در دفاع مقدّس داده - درعین حال مستحکم ایستاده است در خدمت انقلاب، در راه انقلاب، در مواجهه‌ی با دشمنان انقلاب. عظمت این انقلاب، عظمت این ملت با این شهادتها ظاهر شده. این «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، (۵) بشارت است؛ بشارتی است که به ملت ایران دارند میدهند؛ بشارتی است که به مسلمانها دارند میدهند. این معارفی است که ما در کتابها داشتیم، در ذهنها داشتیم، این شهدای عزیز ما - این فرزندان شما، همسران شما، پدران شما - در واقعیت خارجی، اینها را مشخص کردند، تجسم بخشیدند، به ما

نشان دادند، به نسلهای آینده نشان دادند.

امروز هم شهدا در حال تقویت روحیه‌ی ملت ایرانند. همین چند روز قبل از این، ۲۷۰ شهید وارد تهران شدند و شما دیدید چه حادثه‌ای درست شد؛ چه شوری، چه هیجانی! نقطه‌ی مقابل دلسردی‌ها، نقطه‌ی مقابل نومیدی‌ها، نقطه‌ی مقابل رکود و رکونها؛ (۶) تحرک، آمادگی، شوق، عشق، آرمان‌گرایی؛ این کار شهدا است.

ما روی مسئله‌ی شهیدایمان انصافاً کم‌کاری کردیم. این حادثه‌ی شهدای هفتم تیر ظرفیت عجیبی دارد برای معرفی شدن؛ هم معرفی شدن این چهره‌هایی که آماج این جنایت قرار گرفتند؛ هم معرفی ملت ایران که چگونه در یک چنین حادثه‌ی تکان‌دهنده‌ای خودش را نگه میدارد، حفظ میکند و نه فقط از میدان در نمی‌رود بلکه روحیه‌ی مضاعف پیدا میکند؛ هم معرفی دشمنان که چه موجودات پست و چه سیاستهای خبیثی پشت سر این حوادث قرار دارد، دستهای جنایتکار اینها را [معرفی میکند]. این ظرفیت در ماجرای هفتم تیر و ماجراهای دیگر - که البته عمده‌اش ماجرای هفتم تیر است - وجود دارد. ما کم‌کاری داشتیم؛ اینها را معرفی نکردیم. خیلی کار میشد کرد و باید کرد؛ دستگاه‌های مسئول و همه‌ی ما دچار کم‌کاری هستیم. و به نظر میرسد که این کار را هم بایستی سپرد به جناح فرهنگی مؤمن انقلابی مردمی خودجوش؛ این جوانهایی که می‌بینید در اطراف کشور به‌طور خودجوش کارهایی انجام میدهند - کارهای فرهنگی انجام میدهند، کارهای هنری انجام میدهند، حقایقی را احیاء میکنند، استعدادهایی را بروز میدهند، از استعدادهای بالفعلی استفاده میکنند - این کار را هم آنها باید بکنند. با زبان هنر، با زبان تصویر، با استفاده‌ی از ابزارهای جدید باید بتوانند این حادثه را، این شخصیت‌ها را [معرفی کنند]؛ کسی مثل شهید بهشتی را در دنیا معرفی کنند، کسی مثل شهید رجایی را معرفی کنند، شهید باهنر را معرفی کنند. هرکدام از این شخصیت‌هایی که در ماجرای هفتم تیر یا ماجراهای دیگر به شهادت رسیدند، شایسته‌ی یک چهره‌نگاری بسیار باعظمتند که میشود از اینها چهره‌نگاری کرد.

این کتابهایی را که مربوط به زندگی شهدا است، بنده گاهی می‌خوانم؛ حقیقتاً درس‌دهنده است؛ بنده درس می‌گیرم، بنده روحیه می‌گیرم از خواندن این کتابها؛ نشان میدهد که اینها چه شخصیت‌هایی بودند، چه روحیاتی داشتند، چه عظمتی داشتند، چه خدمتی کردند با این ایثار خودشان؛ جان خودشان را کف دست گرفتند وارد میدان شدند. شهدای هفتم تیر نمیدانستند که یک چنین حادثه‌ای در انتظار آنها است؟ معلوم بود؛ آن روز هر کسی در این میدان حرکت میکرد، مثل کسی بود که در میدان مین دارد حرکت میکند؛ از همه‌طرف حوادث گوناگون بود، اما درعین حال شجاعانه وارد این میدان شدند و حرکت کردند. برکات شهدا خیلی زیاد است؛ یعنی واقعاً با این تعبیرات نمیشود حق شهیدان را ادا کرد؛ واقعاً نمیشود کاری را که آنها کردند، خدمتی را که آنها کردند ادا کرد.

خانواده‌ی شهدا هم همین‌جورند. در این جلسه‌ی امروز ما خانواده‌هایی تشریف دارند که سه شهید داده‌اند، سه شهید یا بیشتر؛ تحمل از دست دادن پاره‌های جگر انسان و عزیزان انسان، این به زبان آسان است. خانواده‌هایی هستند که فقط دو پسر داشتند و همین دو پسر را در راه خدا در میدان دفاع مقدس تقدیم کردند؛ بانوانی در اینجا تشریف دارند که هم همسر خودشان و هم فرزند خودشان را در راه خدا دادند. اینها به زبان آسان است! ما در تاریخ صدر اسلام می‌خواندیم که در جنگ احد، بانویی سه پیکر شهید را سوار راحله‌ای (۷) کرده بود و از میدان احد می‌آورد مدینه؛ تعجب میکردیم که چطور چنین چیزی [ممکن است]! واقعاً به نظر انسان مثل افسانه می‌آمد؛ حالا در مقابل چشممان این واقعیت‌های افسانه‌گون و افسانه‌مانند را داریم می‌بینیم. با روحیه‌های بالا، با روحیه‌های خوب، روحیه‌هایی که میتواند افراد کم‌روحیه را هم مبتهج کند، روحیه بدهد، عزم آنها را تثبیت کند و تقویت بکند. و امروز کشور ما به این عزم راسخ احتیاج دارد.

این را همه بدانند: امروز کشور به شناخت دشمن [نیاز دارد]. دشمن را بشناسیم؛ دشمنان جهانی که خودشان را به وسیله‌ی انواع و اقسام اقلام آرایشی رسانه‌ای و تبلیغاتی بزک میکنند و در مقابل چشم قرار میدهند، بشناسیم؛ آمریکا را بشناسیم. در همین چند روز مشاهده کنید: فردا هفتم تیر است، حادثه‌ی حزب اتفاق افتاده است؛ در سال ۶۶ در همین روز هفتم تیر، حادثه‌ی بمباران شیمیایی سردشت اتفاق افتاده است؛ بله، صدام آن کار را کرد، اما پشت سر صدام چه کسی بود؟ آمریکایی‌ها بودند، غربی‌ها بودند، همان کسانی بودند که بمبهای شیمیایی را به او دادند، چراغ سبز هم به او دادند و در مقابل این جنایت بزرگ و این قتل‌عام عجیب سکوت هم کردند؛ در روز یازدهم تیر - چند روز بعد - ترور شهید صدوقی است که این هم کار همین جنایتکاران است؛ در روز دوازدهم تیر - چند روز بعد از این - حادثه‌ی اسقاط هواپیمای ایرباس بر روی خلیج فارس است. از هفتم تیر تا دوازدهم تیر شما ببینید چقدر ترور، قتل‌عام و کشتار [انجام شد]؟ [چقدر] زن، کودک، عالم، سیاستمدار، به وسیله‌ی عوامل آمریکا آماج این جنایتها قرار گرفتند؟ اگر طراح این حوادث هم سرویس‌های امنیتی آمریکا و غرب نبودند، حداقل کمک‌کننده بودند؛ حداقل تشویق‌کننده بودند. این دشمنها را بشناسیم. به تعبیر بعضی دوستان، خوب است این هفتم تا دوازدهم تیر را هفته‌ی «حقوق بشر آمریکایی» اعلام بکنیم. واقعاً حقوق بشر آمریکایی در این چندروز در کشور ما یک چیز واضح و بارزی است و از این قبیل الی ماشاءالله. پس احتیاج داریم دشمن را بشناسیم. آن کسانی که امروز سعی میکنند از این هیولا - که سیاستهای آمریکایی و سیاستهای بعضی از دنباله‌روان آمریکا است - یک چهره‌ی موجهی معرفی کنند، اینها دارند خیانت میکنند؛ اینها دارند جنایت میکنند. این کسانی که این حقیقت روشن را کتمان میکنند، این دشمنی خباثت‌آلود را در زیر پرده‌های توجیه میپوشانند، اینها دارند خیانت میکنند به این ملت. کشور ما و ملت ما احتیاج دارد دشمن را بشناسد، عمق دشمنی را بفهمد.

و احتیاج دارد به اینکه خود را آماده کند برای مواجهه. این مواجهه همیشه مواجهه‌ی سخت نیست، مواجهه‌ی در میدان جنگ نظامی نیست؛ دشوارتر از آن، مواجهه‌ی در میدان جنگ نرم است، در میدان فرهنگ است، در میدان سیاست است، در میدان زندگی اجتماعی است. ملت عزیز ایران، امروز به پیام شهیدان نیازمند است؛ احتیاج به این پیام دارد. ملت ما احتیاج دارد به این پیام امیدبخش، این پیام افشاگر، این پیام سرشار از ابتهاج معنوی و روحیه‌ی معنوی که شهدا به ما میدهند. و ملت، مدیون شهدا است و مدیون شما خانواده‌های شهدا است؛ همه مدیونیم. آن کسانی که این را کتمان کنند، آن کسانی که حاضر نیستند نام شهیدان به عظمت برده بشود و هر جا نام شهیدی برده بشود یا نام شهدا برده بشود و تجلیلی از شهدا بشود کأته به آنها دارند زخم میزنند، اینها بیگانگان از مصالح این ملتند؛ اینها اجنبی‌اند؛ حالا شناسنامه [شان] ایرانی است اما در واقع اجنبی‌اند؛ اینها با ملت ایران یک‌رو و یک‌دل نیستند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(۱) قبل از شروع بیانات معظم‌له، حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی شهیدی محلاتی (رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران) مطالبی بیان کرد.

(۲) سوره‌ی آل عمران، آیات ۱۶۹ و ۱۷۰؛ «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده میشوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی میکنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین میشوند.»

(۳) شادمانی

(۴) اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۳۳

(۵) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۰

(۶) سکون



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

۷) چهارپای بارکش از جمله شتر